

«جهادیون افراطی» و امنیت اروپا



پروژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
پیروز ایزدی*

izadi@csr.ir

* پژوهشگر ارشد مرکز تحقیقات استراتژیک

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۸

فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۸۵-۱۵۷.

چکیده

به دنبال ظهور پدیده «داعش» و تصرف مناطقی از خاک سوریه و عراق توسط این گروه افراطی، اینک این خطر در کشورهای اروپایی به وجود آمده است که مسلمانانی که از این کشورها برای شرکت در عملیات نظامی جهت سرنگونی دولت بشار اسد به سوریه رفته بودند، پس از بازگشت به کشورهای خود با اقدام به حملات تروریستی امنیت داخلی کشورهای اروپایی را با تهدید جدی روبرو سازند. سابقه وقوع حملات تروریستی در این کشورها و رویدادهایی نظیر حمله اخیر به نشریه شارلی ابدو در پاریس، به این نگرانی‌ها دامن زد. از همین رو، کشورهای اروپایی در پی اتخاذ و تشدید تدابیری در جهت جلوگیری از ورود این افراد به کشور و نیز پیشگیری از افراط‌گرایی نزد مسلمانان مقیم برآمدند. اما مسئله مهم این است که چرا مسلمانان اروپا به افراط‌گرایی و اعمال خشونت‌آمیز تمایل پیدا می‌کنند. مقاله حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که علل گرایش مسلمانان اروپا به دیدگاه‌های افراطی و خشونت چیست؟ فرضیه این مقاله آن است که عوامل اجتماعی و فردی در دو سطح کلان و خرد می‌توانند تبیین‌کننده رفتار افراد در زمینه گرایش به افکار افراطی و خشونت‌آمیز باشند. آن گونه که در این مقاله استدلال می‌شود، عوامل در سطح کلان تبیین‌کننده محیطی هستند که زمینه‌ساز گرایش مسلمانان به این گونه افکار است؛ اما اینکه کدام گروه از افراد این افکار را می‌پذیرند، توسط عوامل موجود در سطح خرد قابل تبیین است.

واژه‌های کلیدی: افراط‌گرایی، اسلام‌گرایی، اروپا، تروریسم، جهادیون،

القاعده، داعش

مقدمه

به دنبال ظهور پدیده «داعش» و تصرف مناطقی از خاک سوریه و عراق توسط این گروه افراطی، اینک این خطر در کشورهای اروپایی به وجود آمده است که مسلمانانی که از این کشورها عمدتاً برای شرکت در عملیات نظامی جهت سرنگونی دولت بشار اسد به سوریه رفته بودند، پس از بازگشت به کشورهای خود با اقدام به حملات تروریستی، امنیت داخلی کشورهای اروپایی را با تهدید جدی روبرو سازند. این احتمال داده می‌شود که این افراد با توجه به اینکه با فنون نظامی و تاکتیک‌های جنگ‌های چریکی و خیابانی آشنایی بیشتری پیدا کرده‌اند و در تماس با اعضای داعش دیدگاه‌هایی افراطی‌تر پیدا کرده‌اند، گرایش بیشتری به اعمال خشونت‌آمیز از خود نشان خواهند داد و به عناصری خطرناک تبدیل خواهند شد. به ویژه رویداد حمله به نشریه فکاهی شارلی ابدو در پاریس در ژانویه ۲۰۱۵، به این نگرانی دامن زد. به همین دلیل، اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی در پی اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از ورود این افراد و نیز خروج از کشور جهت پیوستن به جهادی‌ها برآمده‌اند. حضور گسترده مسلمانان در کشورهای اروپایی و به ویژه در فرانسه، انگلستان و آلمان و نیز رواج تفکرات افراطی در میان آنان که در گذشته نیز سبب وقوع حملاتی تروریستی در این کشورها شده است، پرسش‌هایی را در خصوص علل گرایش مهاجران مسلمان به افکار افراطی و ستیزه‌جویانه مطرح کرده است. برخی ناظران عدم جذب مهاجران در جامعه، وجود تبعیض، رفتارهای تحقیرآمیز، مشکلات اقتصادی و بیکاری و غیره را از جمله علل سوق داده شدن این افراد به پذیرش دیدگاه‌های افراطی و اعمال خشونت‌آمیز عنوان کرده‌اند. مقاله حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که علل گرایش

مسلمانان اروپا به دیدگاه‌های افراطی و خشونت چیست؟ موضوعی که سبب بروز تهدید امنیتی جدی برای کشورهای اروپایی شده است. فرضیه این مقاله آن است که عوامل اجتماعی و فردی در دو سطح کلان و خرد می‌توانند تبیین‌کننده رفتار افراد در زمینه گرایش به افکار افراطی و خشونت‌آمیز باشند. عوامل در سطح کلان تبیین‌کننده محیطی هستند که زمینه‌ساز گرایش مسلمانان به این گونه افکار است؛ اما اینکه کدام گروه از افراد این افکار را می‌پذیرند، توسط عوامل موجود در سطح خرد قابل تبیین است. به منظور پاسخ به این پرسش و نیز پیامد تهدیدات امنیتی، مقاله حاضر ابتدا به تشریح تهدید امنیتی ناشی از بازگشت جهادیون اروپایی به کشورهای خود می‌پردازد، آن‌گاه به حضور مسلمانان در اروپا و چالش اسلام‌گرایی افراطی برای اروپا و تدابیر متخذه از سوی اتحادیه اروپا و نیز کشورهای اروپایی برای مقابله با این تهدید پرداخته خواهد شد و سپس علل گرایش مسلمانان اروپا به تفکرات افراطی و خشونت‌گرا مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. تهدید امنیتی

با وقوع شورش و ناآرامی در سوریه در مارس ۲۰۱۱، تعدادی از جوانان مسلمان مقیم اروپا و اروپایی‌هایی که به تازگی به اسلام گرویده‌اند به گروه‌های جهادی پیوستند تا دولت بشار اسد را سرنگون نمایند. براساس برآوردهای صورت گرفته توسط اتحادیه اروپا حدود ۲۰۰۰ شهروند اروپایی به گروه‌های جهادی ملحق شده‌اند، اما براساس سایر برآوردها این رقم تا ۵۰۰۰ نفر نیز رسیده است (The New York Times, 2014).

در میان کشورهای اروپایی بیشترین نفرت از فرانسه، انگلستان و آلمان به سوریه عزیمت کرده‌اند (AFP, 2014). ارقام منتشر شده حکایت از پیوستن ۷۰۰ نفر از اتباع فرانسه و ۵۰۰ نفر از اتباع انگلستان دارد. همچنین افرادی از کشورهای دیگر اروپایی مانند بلژیک، هلند، دانمارک و ایرلند به گروه‌های جهادی ملحق شده‌اند. برای مثال، ۱۵۰ جنگجوی بلژیکی در سوریه مشغول انجام عملیات رزمی هستند و هر ماهه ۱۵ نفر از این کشور به سوریه عزیمت می‌کنند (AFP, 2014). اینک در میان کشورهای اروپایی، این بیم و هراس به وجود آمده است که این افراد

دیدگاه‌های رادیکال‌تری پیدا کرده باشند و پس از بازگشت به کشور خود، با توجه به اینکه با کاربرد سلاح و تاکتیک‌های چریکی آشنایی بیشتری پیدا کرده‌اند، تهدیدی جدی متوجه امنیت داخلی کشورهای خود نمایند. این امر واکنش‌هایی را در میان مقامات کشورهای اروپایی برانگیخته است. مقامات اروپایی به انحنای مختلف نگرانی خود را از تهدید امنیتی بلندمدتی که جهادیون پس از بازگشت به وجود می‌آورند، بیان داشته‌اند. براساس گزارش شبکه خبری سی.ان.ان، تاکنون ۳۰۰ نفر از جهادیون سوریه به اروپا بازگشته‌اند (CNN, 2014). در این خصوص ژیل دوکروشوف،^۱ هماهنگ کننده ضدتروریسم اتحادیه اروپا، با اشاره به این تهدید امنیتی ابراز عقیده کرده است که «البته این به آن معنا نیست که همه کسانی که از نبرد در سوریه مراجعت می‌کنند، دست به حملات تروریستی می‌زنند، اما برخی از آنان چنین اعمالی را مرتکب خواهند شد (CSS Analysis, 2013). یک نمونه آن مهدی نموش، یک افراطی فرانسوی^۲ الجزایری بود که پس از گذراندن مدت یک سال در زندان‌های فرانسه تفکراتی رادیکال‌تر پیدا نمود و به سوریه عزیمت کرد. وی با بازگشت به اروپا به موزه یهودیان در بروکسل حمله کرد و موجب کشته شدن چهار نفر شد. چند ساعت پس از دستگیری او مشخص شد که وی عضویت گروه داعش را داشته است. یک قبضه تفنگ کلاشنیکف که در جریان تفتیش محل اقامت او کشف شد، در پرچم داعش پیچیده شده بود. او که نامش در فهرست افراد تحت مراقبت اتحادیه اروپا قرارداشت پیش از عزیمت به اروپا به مدت چند هفته در جنوب شرقی آسیا اقامت داشت و سپس از بانکوک به فرانکفورت پرواز کرد. مقامات آلمانی ورود او را به خاک آلمان به پلیس فرانسه اطلاع دادند اما نموش به جای فرانسه به بلژیک رفته بود (CNN, 2014). این امر سبب شد تا وزیر کشور فرانسه برنامه‌های دولت خود مبنی بر مصادره گذرنامه شهروندانی را که می‌خواهند برای جنگ به خاورمیانه بروند، اعلام نماید (CSS Analysis, 2013). در انگلستان نگرانی در این زمینه فراوان است. حمله تروریستی به سیستم حمل و نقل لندن در سال ۲۰۰۵، هشدار در زمینه ظرفیت‌های خطرناک جوانان رادیکال بود. در همین





خصوصاً، ترزا می^۱ وزیر کشور بریتانیا، اظهار عقیده کرد: «بریتانیایی‌هایی که در کنار جهادیون در سوریه می‌جنگند، باید سلب تابعیت شوند» (Ross et al., 2013). همچنین جیمز بروکنشایر^۲ وزیر مهاجرت و امنیت انگلستان ابراز داشت: «شهروندان درگیر در فعالیت‌های تروریستی باید به دادگاه کشانده شوند» (Malik, 2014).

این که اروپایی‌ها برای شرکت در جنگ و عملیات نظامی به خارج بروند، پدیده جدیدی نیست و ما تاکنون شاهد عزیمت سه نسل از جهادیون به میدان‌های جنگ بوده‌ایم: میادین جنگ در بالکان در دهه ۱۹۹۰، عراق و افغانستان در ۲۰۰۰ و سوریه در دهه ۲۰۱۰. با وجود این، ماهیت این تهدید از دهه ۱۹۹۰ تغییر کرده است. در آن هنگام مهاجران نسل اول و پناهجویان، نخستین شبکه‌های جهادی را ایجاد کردند. امروزه، اکثر فعالان، مسلمانان اروپایی نسل دوم و سوم هستند که در کشورهای اروپایی رشد کرده‌اند و نیز شامل شمار فزاینده‌ای از اروپایی‌هایی می‌شوند که به دین اسلام گرویده‌اند. مقامات اروپایی در واکنش به این تهدید، به تشدید تلاش‌های ضدتروریستی و کنترل مهاجرت پرداخته‌اند تا از وقوع حملات تروریستی در خاک اروپا جلوگیری نمایند. اما با توجه به جمعیت عظیم مسلمانان در اروپا و سهولت مسافرت در سراسر قاره اروپا، پیشگیری از اینگونه حملات کار آسانی نخواهد بود. جهادیون اروپایی به راحتی از طریق ترکیه خود را به سوریه می‌رسانند. ترکیه برای اینکه اقدامات کافی جهت جلوگیری از سفر این افراد به سوریه انجام نداده است، تحت انتقادات شدید قرار گرفته است. دیدبان حقوق بشر در گزارش اکتبر ۲۰۱۳، مقامات ترک را متهم به این کرد که به جنگجویان اجازه داده است تا وارد شمال سوریه شوند و به جنگ علیه بشار اسد بپردازند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه مرز بین ترکیه و سوریه ۹۰۰ کیلومتر است و قاچاقچیان انسان زیادی در مرز ترکیه و سوریه فعال‌اند که افراد را وارد سوریه و از آن خارج می‌کنند و نیز این امر که ترکیه و سوریه مقررات روادید بین خود ندارند، کنترل این جنگجویان دشوار شده است (DW, 2014). همچنین در این خصوص باید به تمایل

1. Theresa May

2. James Brokenshire

شدید دولت ترکیه به سرنگونی بشار اسد و شکایت این کشور که اتحادیه اروپا در زمینه پناهندگان سوری چندان کمکی به این کشور نکرده است، اشاره نموده که در نحوه برخورد دولت ترکیه با این مسئله تأثیرگذار بوده است.

با توجه به این شرایط که در آن کنترل مرزها در منطقه دشوار است، کشورهای اروپایی توجه خود را به همکاری‌های بیشتر معطوف ساختند تا خروج از کشور را برای مظنونین دشوار سازند و در هنگام بازگشت، تعقیب آنان را برای مقامات آسان کنند و در صورت ضرورت آنان را بازداشت نمایند (CNN, 2014). این کار از طریق بهبود مبادله اطلاعات در چهارچوب سیستم اطلاعات شننگن امکان‌پذیر است که در این صورت لازم است کشورهای غیرعضو مانند انگلستان و ایرلند نیز به آن بپیوندند. در همین راستا، در آغاز ماه اوت ۲۰۱۴، نه کشور عضو اتحادیه اروپا از پارلمان اروپا خواستند تا از تأسیس پایگاه داده‌های اروپایی مسافران هوایی که وارد اتحادیه اروپا شده یا از آن خارج می‌شوند، حمایت نماید. اینک در حالی که اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا چنین داده‌هایی را گردآوری می‌کنند، آنها را با یکدیگر مبادله نمی‌کنند زیرا پارلمان اروپا نسبت به نقض حریم خصوصی افراد نگرانی دارد (Stratfor, 2013).

علاوه بر این، این امر را نیز نباید از نظر دور داشت که برخی افراد که تحت تأثیر افکار جهادی قرار گرفته‌اند، ممکن است به دلیل فشارهای امنیتی موجود بر روی شبکه‌های جهادی در قالب عملیات ضدتروریستی که سلول‌های تروریستی بین‌المللی را هدف قرار می‌دهند، به صورت انفرادی دست به عملیات تروریستی بزنند (Nasser, 2012). از نمونه‌های این امر می‌توان اقدام برینگ بریویک^۱، تروریست دست راستی ضدمسلمان در نروژ در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱ که ۶۹ نفر را به قتل رساند و نیز اقدام محمد مراح، اسلام‌گرای فرانسوی الجزایری تبار که در مارس ۲۰۱۲ هفت نفر نظامی و یهودی را در دو شهر تولوز و مونتوبان در فرانسه به قتل رساند، اشاره کرد. البته در مورد اول، فرد تروریست از جمله جهادیون نبوده است، اما نمونه تمام عیار اقدام تروریستی انفرادی به حساب می‌آید.





هراس از وقوع اقدامات تروریستی‌ها توسط جهادیونی که از مناطق جنگی به ویژه در سوریه مراجعت می‌کنند، در میان اروپایی‌ها ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است؛ به ویژه اینکه طبق خبر منتشر شده در روزنامه اسپانیایی ال‌موندو در تاریخ ۵ اوت ۲۰۱۴، سرویس‌های اطلاعاتی اروپا هشدار دادند که سازمان‌های تروریستی در سوریه ممکن است در حال تدارک حملات تروریستی در سطح بین‌المللی و به ویژه در اروپا باشند (Startfor, 2013). در این میان، احزاب دست راستی اروپایی مانند جبهه ملی در فرانسه و حزب آزادی در هلند که عمدتاً به دلیل بحران اقتصادی محبوبیت پیدا کرده‌اند، به این ترس دامن می‌زنند که جهادیون اروپایی از میدان نبرد برای انجام حملات تروریستی در اروپا بازخواهند گشت. دامنه تهدید ناشی از اقدامات تروریستی جهادیون در اروپا و به ویژه اروپایی‌هایی که به قصد جهاد به خاورمیانه رفته‌اند، سبب شد تا تونی بلر در آوریل ۲۰۱۴، از رهبران غربی بخواهد اختلافاتشان را با چین و روسیه کنار بگذارند و بر تهدید فزاینده رادیکالیسم سنی که در قالب گروه افراطی داعش تجلی یافته تمرکز نمایند. بلر گفت: «رویاری با این دیدگاه رادیکال از اسلام باید در رأس دستور کار بین‌المللی قرارگیرد» (Veerman, 2014).

اما مهم‌ترین رویداد از این دست که خطر جهادیون برای امنیت اروپا را بیش از پیش آشکار نمود، در تاریخ ۷ ژانویه ۲۰۱۵ در پاریس روی داد که در جریان آن دو برادر به نام‌های سعید و شریف کواشی وارد دفتر نشریه فکاهی شارلی ابدو^۱ در محله یازدهم پاریس شدند و با شلیک گلوله ۱۲ نفر را به قتل رسانده و تعدادی دیگر را مجروح کردند. مسئولیت این واقعه را سازمان القاعده در شبه جزیره عربی برعهده گرفت (The Independent, 2015). دو روز بعد در تاریخ ۹ ژانویه، این دو نفر در حالی که به گروگان‌گیری در یک چاپخانه در حومه شمالی پاریس دست‌زده بودند، با حمله نیروهای پلیس به این محل به قتل رسیدند. عاملین این حمله یعنی برادران کواشی، الجزایری تبار بودند و در پاریس متولد شده بودند. آنان سابقه همکاری با گروه‌های جهادی و عضویت در این گروه‌ها را داشتند. شریف کواشی

1. Charlie Hebdo

در سال ۲۰۰۵، هنگامی که ۲۲ سال بیشتر نداشت، هنگام ترک فرانسه برای عزیمت به سوریه دستگیر شد. در آن زمان، جهادیون از طریق سوریه برای جنگ علیه نیروهای امریکایی وارد عراق می‌شدند. وی بار دیگر در سال ۲۰۰۸، به جرم عضویت در شبکه‌های تروریستی و کمک به اعزام جنگجویان به عراق، برای پیوستن به گروه ابومصعب الزرقاوی به سه سال زندان محکوم شده بود. برادر دیگر، سعید کواشی نیز در سال ۲۰۱۱ چند ماهی را در میان جنگجویان القاعده در یمن گذرانده و آموزش نظامی دیده بود (BBC News, 2015).

متعاقب حمله به نشریه شارلی ابدو، در تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۱۵، در رویدادی دیگر که در محله پورت دو ونسن^۱ در شرق پاریس اتفاق افتاد، فردی به نام امدی کولیبالی وارد یک سوپرمارکت یهودی شد و چهار نفر را به قتل رساند و تعدادی را به گروگان گرفت. طبق گزارش‌ها، کولیبالی که از اعضای داعش بود و روابط نزدیکی با برادران کواشی داشت، طی یک اقدام برنامه‌ریزی شده قصد داشت با گروگان‌گیری مانع صدمه رسیدن به آنان شود که در محاصره پلیس قرار گرفته بودند. این ماجرا نیز با حمله پلیس به سوپر مارکت و به قتل رسیدن کولیبالی خاتمه یافت (Hjeimgaard et al, 2015).

عامل این حادثه، امدی کولیبالی نیز در خانواده‌ای مالیایی تبار در یکی از حومه‌های جنوب شرقی پاریس به دنیا آمده بود. وی در سال ۲۰۰۴ به جرم سرقت مسلحانه از بانک به ۶ سال زندان محکوم شد و در زندان بود که با شریف کواشی آشنا شد. وی پس از اینکه عقاید افراطی اسلامی پیدا کرده بود، همان‌گونه که گفته شد، به داعش پیوست و در جریان تفتیش خانه‌اش، علاوه بر اسلحه و مواد منفجره، پرچم داعش نیز یافت شد (Borger, 2015).

نکته مهم در اینجا است که گفتمان افراط‌گرایی در اروپا اینک بیش از پیش تحت سلطه «داعش قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد که این گروه بیش از «القاعده» قلب‌ها و اذهان افراطیون را تسخیر کرده باشد.

۲. حضور مسلمانان در اروپا و چالش اسلام‌گرایی افراطی

پیوندهای دیرین و تاریخی میان جهان اسلام و اروپا وجود دارد. از روزهای نخست ظهور اسلام و تهاجم بنی‌امیه به اسپانیا و فرانسه در اوائل قرن ۸ میلادی تا جنگ‌های صلیبی و استعمار اروپا در شمال آفریقا و جنوب آسیا در سال‌های ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ و نیز سقوط امپراتوری عثمانی به دنبال جنگ جهانی اول و استعمار اروپا در خاورمیانه، زمینه‌های برخورد میان اروپایی‌ها و مسلمانان وجود داشته است. همچنین ملاحظات ژئوپولیتیکی سبب شده است تا اروپایی‌ها و مسلمانان در بستری از منازعه و همکاری قرارگیرند.

نزدیکی شمال آفریقا به جنوب اروپا و تلاش‌های استعمارگرانه اروپایی‌ها این پیامد را به دنبال داشته است که افراد زیادی در جوامع مسلمان طالب تحصیل و کار در اروپا شوند (Stewart and Brown, 2013). این امر به همراه انعقاد موافقت‌نامه‌های کارگر مهمان و سیاست‌های مهاجرتی سهل‌گیرانه در دهه ۱۹۶۰، زمینه حضور هرچه بیشتر مسلمانان را در اروپا فراهم آورد و موج مسلمانان از ترکیه به آلمان، از الجزایر به فرانسه و از پاکستان به بریتانیا سرازیر شدند (Stratfor, 2013). امروزه حدود ۴۴ میلیون نفر مسلمان در اروپا زندگی می‌کنند و تقریباً همه کشورهای اروپایی دارای اقلیت مسلمان می‌باشند (Veerman, 2014). تعدادی از مسلمانان برای چهار یا پنج نسل در اروپا زندگی کرده‌اند و بسیاری از آنان جذب جوامع اروپایی نشده‌اند و در نواحی مجزا و مسلمان‌نشین زندگی می‌کنند. این حضور مسلمانان در اروپا به ویژه با توجه به عدم جذب و همسان‌سازی آنان سبب شده که همواره اصطکاک‌هایی میان اقلیت مسلمان و بدنه جامعه کشورهای میزبان بروز کند. این عدم جذب همچنین منجر به آن شده است که انواع تشکلهای اسلامی در کشورهای اروپایی پدید آیند که اغلب با جنبش‌های اسلامی فراگیر که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند، ارتباط دارند.

آن دسته از مسلمانان اروپا که به طور کامل در جوامع میزبان جذب نشده‌اند و خواهان حفظ هویت دینی خود و زندگی براساس دستورات شریعت هستند، از دولت‌های اروپایی خواسته‌ها و مطالباتی در خصوص امکان ساخت مسجد، مدارس مذهبی، گورستان‌های ویژه مسلمانان، دسترسی به مواد خوراکی حلال، انتخاب

امامان مساجد، آزادی برای انتخاب پوشش اسلامی، ایجاد تسهیلات برای سفر حج و غیره دارند که بنا بر رویکرد هر یک از دولت‌ها، تعدادی از این مطالبات برآورده شده و بخشی نیز برآورده نمی‌شوند. از سوی دیگر، بسیاری از مسلمانان به لحاظ یافتن شغل با تبعیض روبرو می‌باشند که این امر در مواقع بروز بحران‌های اقتصادی تشدید می‌شود. برآورده نشدن برخی مطالبات دینی و نیز احساس تبعیض و طرد شدن از جامعه سبب بروز سرخوردگی در میان آنان می‌شود و این سرخوردگی عاملی مهم در عدم جذب در بدنه اصلی اجتماع و به حاشیه رانده شدن آنان می‌شود. از این رو، آنان گرایش به تعامل با دیگر مسلمانانی پیدا می‌کنند که از نظر فرهنگی و مذهبی پیوندهای نزدیک‌تری با آنان دارند. ورود مسلمانان سرخورده به چنین اجتماعاتی می‌تواند زمینه رادیکال شدن آنان و گرایش آنان به اعمال خشونت‌آمیز را تقویت کند.

۳. سازمان‌های اسلام‌گرا در اروپا: فرصت‌ها و چالش‌ها

تشکل مسلمانان مقیم اروپا در قالب سازمان‌ها و اجتماعات، چالش‌ها و نیز فرصت‌هایی برای دولت‌های اروپایی به وجود آورده است. از یک سو، تشکل‌های مزبور ممکن است محیطی را فراهم سازند که اعضا را به سمت افراط‌گرایی و خشونت سوق دهند و از سوی دیگر این فرصت را برای دولت‌های اروپایی به وجود می‌آورند که برای تعامل با اقلیت مسلمان مخاطبانی معتبر در اختیار داشته باشند. به طور کلی تشکل‌ها و گروه‌هایی که می‌توانند برای دولت‌های اروپایی تهدید ایجاد کنند، آنهایی هستند که هرگونه تعامل و مشارکت در روند سیاسی را نفی می‌کنند. این گروه‌ها خود به دو دسته خشونت‌طلب و غیر خشونت‌طلب قابل تقسیم می‌باشند. دسته نخست، کاربرد خشونت را برای رسیدن به اهداف خود ضروری می‌انگارند، در حالی که گروه دوم قائل به استفاده از خشونت نیستند. افراد، گروه‌ها و شبکه‌هایی که در پیوند با القاعده و داعش هستند و از آنها الهام می‌گیرند، در دسته نخست جای می‌گیرند. این گروه‌ها عامل اصلی ترویج افراط‌گرایی و رادیکالیسم بوده و تهدیدی جدی برای دولت‌های اروپایی به وجود می‌آورند. گروه دوم، متشکل از سلفی‌ها و اعضای حزب التحریر می‌باشند که هرچند خشونت در

دستور کار آنان قرار ندارد، اما می‌توانند بستری برای رادیکالیزه شدن اعضا فراهم آورند. در کنار این دو گروه، گروهی نیز وجود دارند که عمدتاً نمایندگی آنان را جمعیت اخوان المسلمین برعهده دارد. آنها طرفدار تعامل با جامعه هم در سطح خرد از طریق فعالیت در سازمان‌های مردم نهاد و هم در سطح کلان از طریق مشارکت در زندگی عمومی و روند دموکراتیک می‌باشند (Veerman, 2014). دسته اخیر این هدف را دنبال می‌کند که با جلب اعتماد دولت‌های اروپایی در اداره جنبه‌های مختلف زندگی مسلمانان مانند تهیه مواد درسی اسلامی، انتخاب معلم برای تعلیمات اسلامی در مدارس دولتی، انتصاب امامان در نهادهای دولتی مانند ارتش، پلیس و زندان‌ها و نیز دریافت یارانه برای اداره خدمات اجتماعی گوناگون، مشارکت داشته باشد.

در این میان، نفی‌گرایان خشونت‌طلب بستر مناسب‌تری برای رادیکالیزه کردن مسلمانان و نیز گرویدن مسیحیان به اسلام و شرکت در اعمال خشونت‌آمیز هستند و اغلب به عنوان گروه هدف در برنامه‌های کشورهای اروپایی برای مبارزه با تروریسم و نیز رادیکال شدن مسلمانان مشخص شده‌اند.

۴. تدابیر پیشگیرانه اروپایی‌ها

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون، ارزیابی مستمر مقامات امنیتی در اکثر کشورهای اروپایی این بوده است که با اینکه اشکال گوناگون خشونت سیاسی که از دیگر ایدئولوژی‌ها الهام می‌گیرند، همچنان در سراسر قاره وجود دارند، تروریسم به اصطلاح جهادی بزرگ‌ترین تهدید امنیتی را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که در بالا ذکر شد، این تهدید در حال حاضر عمدتاً از ناحیه مسلمانان اروپایی، به ویژه نسل دوم و سوم مهاجران که در کشورهای اروپایی رشد کرده‌اند و نیز شمار فزاینده‌ای از اروپایی‌هایی ناشی می‌شود که به دین اسلام گرویده‌اند. عاملی که در این میان اوضاع را پیچیده‌تر ساخته است، عزیمت این اروپایی‌ها به مناطق نبرد و درگیری، به ویژه در سوریه، از سال ۲۰۱۱ بوده است؛ زیرا همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، بازگشت آنان به کشورهای خود با توجه به مهارت‌های نظامی که آموخته‌اند و افکار رادیکال‌تری که پیدا کرده‌اند، می‌تواند بسیار تهدیدزا و خطرآفرین باشد.

کشورهای اروپایی به ویژه پس از رویداد ۱۱ سپتامبر و احساس خطر از جانب افراطیون مسلمان، یک رشته تدابیر پیشگیرانه را در مورد مسلمانان به اجرا درآورده‌اند. اکثر این تلاش‌ها معطوف به جلوگیری از رادیکال شدن این مسلمانان و ممانعت از وارد شدن آنان در عملیات خشونت‌آمیز بوده است. اتحادیه اروپا اول بار در سال ۲۰۰۵، استراتژی خود را در این زمینه اعلام کرد و از کشورهای عضو درخواست نمود تا تدابیر خاص خود را به اجرا بگذارند. برنامه‌هایی که توسط کشورهای گوناگون اروپایی به اجرا گذاشته شده است، در قالب دو دسته اقدامات قابل بررسی می‌باشد: الف) اقدامات پیشگیرانه عمومی و ب) مداخلات هدفمند (CSS Analysis, 2013) . . .

برنامه‌های نوع اول یعنی اقدامات پیشگیرانه عمومی با هدف کمتر آسیب‌پذیر ساختن گروه هدف یعنی جوانان مسلمان در برابر عقاید رادیکال و افراطی را دنبال می‌کند. برای مثال، در چهارچوب این نوع اقدامات، در انگلستان، پروژه‌ای با حمایت دولت به اجرا درآمده است که به موجب آن علمای سنی مسلمان با صحبت با جوانان مسلمان به تقبیح تروریسم از دیدگاه مذهبی می‌پردازند. همچنین در این راستا، پروژه‌هایی نیز بر جذب مسلمانان در جامعه تمرکز دارند و در پی فراهم ساختن امکان اشتغال و آموزش برای جوانان مسلمان هستند. در هلند نیز کلاس‌هایی برای تقویت تفکر انتقادی و توان مقابله سازنده با دیدگاه‌های مخالف برگزار شده است. از سوی دیگر، ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد میان مقامات دولتی و جامعه مسلمانان، بخش مهمی از استراتژی‌های مقابله با رادیکال شدن را تشکیل می‌دهد. از جمله در انگلستان، در ده‌ها شهر افسران پلیس محلی و جامعه مسلمانان یک آخر هفته را در کنار هم در یک محیط غیررسمی سپری می‌کنند تا با هم آشنا شده، با هم غذا بخورند و فوتبال بازی کنند.

مداخلات هدفمند، نوع دوم این برنامه‌هاست که شناسایی و بازیابی افرادی را هدف قرار می‌دهد که در حال طی فرایند رادیکالیزه شدن هستند. این مداخلات طی سه مرحله کشف، ارزیابی و بازیابی صورت می‌گیرد. در مرحله نخست یعنی کشف، به طیف وسیعی از طرف‌های ذی‌نفع از جمله افسران پلیس محلی، مددکاران اجتماعی، معلمان و افراد صاحب نفوذ محلی آموزش‌های لازم در خصوص

رادیکال شدن، جلوه‌های مختلف آن و خطراتی که در بردارد، داده می‌شود. آنگاه این افراد وظیفه پیدا می‌کنند تا مانند چشم و گوش به کشف موارد بالقوه در میان کسانی بپردازند که با آنان تماس دارند و آنان را به مقامات ذیربط معرفی کنند. در مرحله دوم ارزیابی، مقامات اطلاعات لازم را در خصوص افرادی که به آنان معرفی شده گردآوری می‌کنند و ارزیابی می‌کنند که آیا انجام اقدامات بعدی در مورد آنان ضرورت دارد یا خیر. در صورتی که مقامات به این نتیجه برسند که لازم است در جهت دور کردن افراد از مبارزات خشونت‌آمیز و بازگرداندن آنان به روند اصلی جامعه اقداماتی صورت گیرد، مرحله سوم یعنی ارزیابی آغاز می‌شود. در این مرحله یافتن یک راهنما، خویشاوند مسن‌تر، چهره‌ای کارزماتیک، علمای مذهبی و یا مسلمانی که قبلاً دیدگاه‌های تندروانه داشته و اینک در عقاید خود تجدیدنظر کرده، از اهمیت زیادی برخوردار است. این گونه افراد می‌توانند با انتقال تجربیات خود به کسانی که در معرض رادیکالیزه شدن قرار دارند، آنان را به تجدیدنظر در رفتار و اعمال خود ترغیب نمایند. در انگلستان، این برنامه‌ها بیشتر پلیس محور بوده است، اما برای مثال، در هلند و دانمارک، دستگاه‌های مجری قانون نقشی فرعی در این برنامه‌ها داشته‌اند و نقش اصلی برعهده شهرداری‌ها بوده است.

در کشورهای اروپایی، اختلافاتی در خصوص افرادی که باید هدف این برنامه‌ها قرارگیرند وجود دارد. ریشه این اختلافات در تعریف مرز بین دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز و اشکالی از افراط‌گرایی وجود دارد که مستقیماً با اعمال خشونت‌آمیز همراه نیستند. برخی بر این اعتقادند که جهش از افراط‌گرایی غیر خشونت‌آمیز به افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، بسیار سریع صورت می‌گیرد و نیز اینکه افکار افراطی صرف‌نظر از اینکه با توسل به وسایل خشونت‌آمیز همراه باشند یا نباشند، برای انسجام جوامع گوناگون اروپایی خطرناک است، در حالی که برخی دیگر بر این باورند که تنها افرادی باید هدف این برنامه‌ها قرارگیرند که در اعمال خشونت‌آمیز دخالت دارند. مقامات اروپایی اغلب در پی ایجاد موازنه بین این دو دیدگاه بوده‌اند.

از سوی دیگر، در مورد این مسئله نیز اختلاف وجود دارد که آیا می‌توان از آن دسته از گروه‌های اسلامی که اعتقادی به خشونت در فعالیت‌های خود ندارند، به

عنوان شریک در این برنامه‌ها استفاده کرد یا خیر. عده‌ای معتقدند که گروه‌های غیر خشونت‌گرا اغلب به لحاظ سازمانی یا ایدئولوژیک با جنبش‌های اسلامی مانند اخوان المسلمین، جماعت اسلامی یا بسیاری از تجلیات جنبش‌های سلفی پیوند دارند. این جنبش‌ها هرچند مخالف کاربرد خشونت هستند، اما روایتی از اسلام را اشاعه می‌دهند که گروه‌های جهادی خشونت‌طلب آن را مبنای فعالیت‌های خود قرار می‌دهند و از این‌رو، دولت‌ها نباید آنها را شریک خود محسوب کنند و به این ترتیب به آنها مشروعیت اعطا نمایند. در مقابل، برخی دیگر چنین استدلال می‌کنند که گرچه ممکن است عقاید این جنبش‌های جنجال‌برانگیز و گاه نفرت‌انگیز باشد، اما آنها می‌توانند برای دولت در اجرای برنامه‌های متحدینی مفید باشند و دولت باید عمل‌گرایی پیشه کرده و با آنها همکاری نماید (CSS Analysis, 2013).

گذشته از اینها، منتقدان این برنامه‌ها از طیف‌های فکری گوناگون، انتقادات کلی از آنها مطرح کرده‌اند؛ از جمله اینکه این برنامه‌ها نامؤثر است و جز هدر دادن پول و انرژی فایده دیگری ندارد، ناقض آزادی‌های فردی است و حاصلی جز بدنام کردن مسلمانان ندارد که این خود نتیجه معکوس می‌دهد. به هر حال، روند غالب در کشورهای اروپایی تقدم مداخلات هدفمند بر اقدامات پیشگیرانه کلی بوده است؛ زیرا اقدامات اخیر پرهزینه و فاقد نتایج ملموس تلقی شده است؛ در حالی که مداخلات هدفمند هزینه^۵ کاراتر و به لحاظ تجربی تصدیق‌پذیرتر دانسته شده‌اند.

۵. گرایش به افراط‌گرایی

در این بخش به این پرسش پاسخ می‌دهیم که چه عواملی در جوامع اروپایی، مسلمانان را به سمت اقدامات افراطی و خشونت‌آمیز سوق می‌دهد. به طور معمول، افرادی که دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند، ابتدا افکاری افراطی پیدا می‌کنند و این افکار و اعتقادات مبنایی برای فعالیت‌های خشونت‌آمیز آنان قرار می‌گیرد. با این وجود، باید به یک مرزبندی ظریف میان افراط‌گرایی و تروریسم قائل شد، زیرا هرچند می‌توان گفت که هر تروریستی دارای افکار افراطی است، اما هر افراط‌گرایی تروریست نیست و این همان چیزی است که همان‌طور که در بالا گفته شد، از جمله عوامل اختلاف در میان مقامات کشورهای اروپایی در زمینه تعیین گروه‌های

هدف برای مقابله با اعمال خشونت‌آمیز بوده است. از این‌رو، می‌توان گفت که افراط‌گرایی در سطح نگرش‌ها و دیدگاه‌ها نسبت به جامعه و جهان مطرح می‌شود در حالی که تروریسم درگیر شدن عامدانه در فعالیت‌های خشونت‌آمیز است. همچنین این پرسش در اینجا مطرح می‌شود که چه عواملی برخی افراط‌گرایان را به وسائل خشونت‌آمیز و برخی را به وسائل غیر خشونت‌آمیز سوق می‌دهد.

۶. تعاریف افراط‌گرایی و تروریسم

نهادهای مختلف اتحادیه اروپا تعاریفی از افراط‌گرایی یا پیروی از دیدگاه‌های رادیکال و تروریسم ارائه داده‌اند که در نحوه مقابله آنها با افراط‌گرایی خشونت‌طلب مؤثر بوده است. از جمله کمیسیون اروپا افراط‌گرایی را «پدیده‌ای تعریف می‌کند که به موجب آن افراد عقاید، افکار و دیدگاه‌هایی را می‌پذیرند که می‌توانند به اعمال تروریستی منجر شوند» (European Commission, 2006). از سوی دیگر، شورای اروپا تروریسم را اعمال عامدانه‌ای می‌داند که با هدف ارعاب مردم، وادار ساختن نابجای یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا ترک یک عمل، نابودسازی ساختارهای سیاسی، قانونی، اقتصادی یا اجتماعی بنیادی یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی انجام می‌شوند (European Union, 2002). به عبارت دیگر، تروریسم ابزاری سیاسی است که صرف‌نظر از میزان موفقیت آن، تلاشی برای ایجاد تغییرات سیاسی یا اجتماعی به حساب می‌آید. از این‌رو، می‌توان افراط‌گرایان خشونت‌طلب را افرادی نامید که به طرق خشونت‌آمیز اعتقاد به ضرورت انجام تغییرات دامن‌دار در جامعه دارند. با این حال باید توجه داشت که افراط‌گرایی خشونت‌طلب فرایند پذیرش یک نظام اعتقادی است که اعمال خشونت‌آمیز را ترویج می‌کند، اما باز این بدان معنا نیست که پیروان این ایده قطعاً دست به خشونت می‌زنند. از این‌رو، لازم است میان دگرگونی در نگرش‌ها و رفتارها و درگیر شدن عامدانه در فعالیت‌های تروریستی تمایز قائل شد. بدین ترتیب، تروریسم بدترین شق ممکن در طیف افراط‌گرایی است. پس می‌توان گفت هرچند هر تروریستی افراط‌گراست اما هر افراط‌گرایی تروریست نیست. بسیاری از کارشناسان اروپایی معتقدند که صرف پیداکردن نگرش‌های افراطی، با خود اعمال و رفتارهایی را به همراه دارد که

می تواند برای جامعه مخرب باشد؛ از جمله تولید یا توزیع مطالب افراطی برای جلب نظر دیگران، تشویق دیگران به جهاد یا جلب آنان برای عضویت در سازمان های افراطی.

۷. مدل های گرایش به افکار افراطی

به منظور پی بردن به اینکه افراد چگونه افراط گرا می شوند، نهادهای امنیتی و انتظامی مدل های گوناگونی را ارائه داده اند که از میان آنها مدل سرویس امنیت و اطلاعات دانمارک (PET) و مدل پلیس نیویورک در اینجا مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) مدل سرویس اطلاعاتی و امنیتی دانمارک. این مدل که به صورت مرحله ای تنظیم شده است، سیر تحول گرایش به افکار افراطی را در میان افرادی که چهار مرحله به تصویر می کشد: (۱) برقراری تماس میان فردی که مستعد پذیرش عقاید افراطی است با مبلغان؛ (۲) تغییر تدریجی در رفتار فرد، از جمله بروز تغییر در رفتارهای مذهبی فرد و کسب عادات جدید ارتباطی مانند استفاده از اینترنت؛ (۳) محدود شدن دایره معاشرت های فرد به افراد هم فکر به گونه ای که ارتباط او با خویشاوندان و دوستان قدیمی قطع یا بسیار محدود می شود؛ و (۴) قوام یافتن بیشتر افکار افراطی در ذهن فرد، که در این مرحله گرایش های خشونت آمیز با تماشای نوارهای ویدئویی دارای صحنه های خشونت آمیز و زد و خورد در فرد تقویت می شود (Veldhuis and Staun, 2009).

ب) مدل پلیس نیویورک. این مدل نیز مرحله ای است و فرایندی از پائین به بالا را طی می کند. در این مدل این مراحل پیش بینی شده است: (۱) مرحله ما قبل گرایش به افکار افراطی: فرد در این مرحله عمدتاً جلب توجه نمی کند، به صورت عادی به فعالیت های شغلی خود ادامه می دهد و یا از هیچ گونه سابقه کیفری برخوردار نیست و یا اگر هست به جرائم جزئی برمی گردد؛ (۲) مرحله هویت یابی: در این مرحله فرد به تدریج برداشت جدیدی از جهان پیدا می کند و به کنکاش در خصوص اسلام افراطی می پردازد. طی این مرحله، فرد از هویت سابق خود دور شده و به معاشرت با افراد هم فکر می پردازد؛ (۳) مرحله تلقین: در این مرحله، فرد به طور کامل ایدئولوژی جهاد^۰ سلفی را اختیار می کند و نتیجه می گیرد که ضروری

است با هر آنچه که در تضاد با دستور کار افراطی قرارداد، به جهاد پرداخته شود. در این مرحله افراد مسیر زندگی خود را تغییر می دهند تا به «خیر بزرگ تر» دست پیدا کنند. مرحله چهارم، جهادگرایی: در این مرحله فرد خود را در نقش یک جهادی می بیند و در عمل وارد اعمال خشونت آمیز می شود. طی این مرحله است که برنامه ریزی، تدارکات و انجام حملات جهادی یا تروریستی به هدف اصلی فرد تبدیل می شود و برای این منظور فرد در قالب گروه وارد فعالیت های خشونت آمیز می شود. این مدل ها در واقع تنها به مراحل می پردازند که افراد با طی آنها گرایش ها به افکار افراطی پیدا می کنند، اما به توضیح این امر نمی پردازند که چه عواملی سبب گرایش افراد به افکار افراطی می شود (Veldhuis and Staun, 2009).

۸. علل و عوامل گرایش افراد به افکار افراطی

به طور کلی می توان در دو سطح خرد و کلان به علل و عوامل گرایش افراد به افکار افراطی پرداخت. در سطح خرد می توان به دو دسته عوامل اجتماعی و فردی اشاره کرد. عوامل اجتماعی به تعامل با اجتماع ربط پیدا می کنند و مسائلی مانند همانندسازی اجتماعی، فرایندهای گروهی و محرومیت نسبی در آنها دخیل می باشند. عوامل فردی در این سطح به ویژگی های روانی افراد و تجربیات فردی آنان ربط پیدا می کند.

در سطح کلان، ما با ساختارهای اجتماعی از جمله تغییرات جمعیتی، دگرگونی های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، موفقیت های آموزشی و نحوه مشارکت در بازار کار سر و کار داریم که می توانند پیش زمینه ای برای جرم و جنایت و رفتارهای افراطی باشند. به طور کلی، در خصوص نحوه بروز رفتارهای خشونت آمیز و جرم و بزهکاری در جامعه دیدگاه های مختلفی ارائه شده است. برای مثال، شاو و مک کی بر این باورند که جرم و جنایت محصول ویژگی های فرهنگی، ساختاری و اجتماعی یک جامعه است و رفتار انحراف آمیز در میان طبقات پایین شهری واکنشی طبیعی به عوامل زمینه ای است (Shaw and McKay, 1969). امیل دورکهایم نیز در این خصوص به رابطه میان فرد و جامعه اشاره می کند و می گوید: «ساختارهای اجتماعی از هم گسیخته مقررات اجتماعی را تضعیف می کنند و

وضعیتی نابهنجار پدید می‌آورند و نهایتاً راه را برای انحراف و در مواردی خودکشی فراهم می‌سازند» (Durkheim, 1979). از این‌رو، می‌توان از عوامل سطح کلان به عنوان پیش‌شرط افکار و اعمال افراطی و خشونت‌گرا نام برد.

۹. عوامل سطح کلان

نحوه تأثیرگذاری متغیرهای سطح کلان بر خشونت‌ها و اعتراضات جمعی مورد مطالعه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته است، از جمله داگلاس هیبیز در این زمینه مدلی ارائه داده است که در آن از متغیرهای سطح سیستمی مانند شاخص‌های توسعه سیاسی، توانایی قهری نظام سیاسی، مجازات و سرکوب استفاده شده است. در این میان، رابرت مرتون در خصوص منشاء انحراف در نحوه سازماندهی جامعه، نظریه نابهنجاری را ارائه می‌دهد که بر طبق آن در صورت وجود ناسازگاری میان اهداف، مقاصد و منافع به لحاظ فرهنگی تعریف شده در بطن ساختار اجتماعی و فرهنگی از یک سو و روش‌های به لحاظ نمادی مجاز و مطلوب برای دستیابی به این اهداف و ساختارهای نهادی مناسب از سوی دیگر، نابهنجاری بروز می‌کند. او به منظور پر کردن شکاف میان هدف و وسیله، پنج شیوه سازگاری را مطرح می‌کند که عبارت از (۱) هم‌نوآگرایی؛ (۲) نوآوری؛ (۳) آئین پرستی؛ (۴) انزوا؛ (۵) شورش^۵ می‌باشند (Merton, 1938).

در خصوص جوامع اروپایی، با توجه به عوامل فوق می‌توان به علل زیر اشاره کرد:

ضعف در جذب مهاجران مسلمان: طی چند دهه گذشته، بسیاری از کشورهای اروپایی شاهد ورود موج وسیع مهاجران از کشورهای مختلف بودند که منجر به اسکان اجتماعات بزرگی از اقلیت‌های قومی در اروپای غربی شد. بخش بزرگی از این مهاجران از کشورهای مسلمان عازم اروپا شده بودند. طبیعتاً زمان،

1. Conformity
2. Innovation
3. Ritualism
4. Retreatism
5. Rebellion



دلایل و شرایطی که تحت آنها مسلمانان به غرب مهاجرت کردند، بر برداشت‌ها و نگرش‌هایشان نسبت به جوامع میزبان تأثیر داشته است. تغییرات جمعیت شناختی در اروپا سبب تحول در گفتمان سیاسی و عمومی نسبت به مهاجرت شد. دولت‌ها مجبور شدند سیاست‌هایشان را جهت تسهیل جذب مهاجران در جامعه‌ای که به طور مستمر در حال گسترش بود، شکل دهند و تنظیم کنند. در این راستا، اقداماتی در جهت ارتقای مشارکت اجتماعی و اقتصادی گروه‌های اقلیت در پیش گرفته شد. برای مثال، در مواردی تبعیض مثبت اعمال شد و در مواردی دیگر مهاجران و ادار به مشارکت در برنامه‌های جذب، از جمله گذراندن دوره‌های تاریخ و زبان و شرکت در امتحان به منظور دریافت حق اقامت دائم شدند. به طور کلی، در بسیاری از کشورهای اروپایی، وضعیت اجتماعی^۵ اقتصادی مسلمانان در مقایسه با کل جمعیت متفاوت بوده است. روشن است که مسلمانان اغلب با سطوح مختلف تبعیض و به حاشیه رانده شدن در زمینه اشتغال، آموزش و مسکن روبرو می‌باشند و همچنین قربانی کلیشه‌سازی‌های منفی و نگرش‌های متعصبانه هستند و این مسائل به میزان قابل توجهی مانع فرایند جذب در ابعاد گوناگون آن می‌شود.

عوامل بین‌المللی: به نظر می‌رسد در سراسر جهان، مسلمانان احساس می‌کنند که غرب، اسلام را تهدید می‌کند. اکثر مسلمانان بریتانیا احساس می‌کنند که جنگ علیه تروریسم، در واقع، جنگ علیه اسلام است؛ به ویژه منازعات خاورمیانه و مواضع دیپلماتیک دولت‌های غربی در قبال این منازعات به گسترش افکار افراطی در میان مسلمانان کمک کرده است. آن گونه که رابرت پیپ اظهار نظر کرده است، بسیاری از بمب‌گذاری‌های انتحاری توسط مسلمانان افراطی با هدف وادار کردن کشورهای غربی به خارج کردن نیروهای نظامی‌شان از سرزمین‌های اسلامی صورت گرفته است. در همین راستا، ریک کولسائت این گونه اظهار نظر کرده است که حمایت غرب از تاکتیک‌های سرکوبگرانه دولت‌های محلی در مبارزه با تروریسم را می‌توان حمایت از یک رژیم سرکوبگر تلقی کرد که این خود به احساسات ضدغربی دامن می‌زند (Coolsaet, 2005).

فقر: در این خصوص باید خاطرنشان کرد که هرچند اکثر مسلمانان افراطی اروپا از اقشار اجتماعی^۶ اقتصادی پائین برخاسته‌اند، اما مسلمانان افراطی در میان

تمامی طبقات اجتماعی^۵ اقتصادی یافت می‌شوند.

جهانی شدن و مدرنیزاسیون: می‌توان گفت که تسهیل ارتباط بین افراد در سراسر جهان سبب تسهیل ظهور جنبش‌های ایدئولوژیک فراملی شده است و اقدامات آنها در جهت پیام‌رسانی، جذب نیرو و سازماندهی، فعالیت‌ها را بسیار آسان‌تر نموده است. از سوی دیگر، جهانی شدن، مسلمانان را با اشاعه ارزش‌ها و پدیده‌هایی مواجه می‌سازد که قرآن و فرهنگ اسلامی با آنها مخالف است. در حالی که مسلمانان میانه‌رو خود را با تحولات ناشی از مدرنیزاسیون تطبیق می‌دهند، مسلمانان افراطی سعی در نفی و مبارزه با آثار مدرنیزاسیون دارند. در این خصوص، ژیل کپل این گونه اظهار نظر کرده است که گرایش مسلمانان به افکار افراطی تا حدودی ناشی از تضاد میان جنبش‌های اسلامی میانه‌رو و افراطی است. این ناسازگاری با ارزش‌های مسلط خود عاملی برای جذب شدن به اعتقادات مذهبی از نوع افراطی آن است (Kepel, 2004). اولیویه روا معتقد است که در عصر جهانی شدن، مذهب از سرزمین کنده می‌شود و با محیط‌های گوناگون سازگار می‌شود و جوانانی را جذب خود می‌سازد که خود را در جوامع غربی طرد شده می‌یابند و قواعد رفتاری خاص خود را به آنان تحمیل می‌نماید (Roy, 2004).

۱۰. عوامل سطح خرد

عوامل سطح خرد دارای دو بعد اجتماعی و فردی است. در بعد اجتماعی، آنچه مهم جلوه می‌کند وابستگی‌های گروهی است، به این صورت که هرچه افراد به گروه خود وابسته‌تر باشند، احتمال بیشتری دارد که به شیوه‌ای پرخاشگرانه رفتار کنند و رفتار پرخاشگرانه خود را نسبت به سایر گروه‌ها توجیه کنند. در بعد فردی، می‌توان به ویژگی‌های روانی، تجربیات شخصی و اعتقادات شخصی اشاره کرد. برای مثال، زنان و مردان ویژگی‌های شخصیتی متمایزی از خود به نمایش می‌گذارند، به طوری که مردان پرخاشگرتر از زنان هستند و به خشونت فیزیکی تمایل بیشتری دارند، در حالی که زنان به اشکال غیرمستقیم خشونت و از جمله خشونت کلامی متوسل می‌شوند.



الف) عوامل اجتماعی

هویت اجتماعی: اغلب اوقات افراد خود را برحسب عضویت در گروه تعریف می‌کنند. هویت اجتماعی حاصله سبب می‌شود اعضای گروه بین گروه خودی و دیگر گروه‌ها تمایز قائل شوند. افراد ممکن است خود را براساس جنسیت، قومیت، شغل، مذهب و غیره تعریف کنند. اینکه کدام هویت نقش برجسته‌تری می‌یابد، به محیط و شرایط ربط پیدا می‌کند. هویت ما در واقع شکل‌دهنده نوع جهان‌بینی ما، تفکر ما، احساس ما و اعمال ماست. به ویژه در میان نسل دوم جوانان مسلمان مقیم اروپا با بحران هویت روبرو شده‌اند و این به دلیل تضادی که با سابقه قومی و فرهنگی خود دارند از یک سو و احساس طرد شدن توسط جامعه از سوی دیگر است. از همین رو، تقویت گرایش‌های مذهبی می‌تواند راهی برای برون رفت از این بحران پیش‌روی آنان قراردهد، زیرا در این صورت به امت تعلق پیدا می‌کنند که مقوله‌ای جدا از ملیت است. همچنین وابستگی به گروه سبب تقویت عواطف جمعی می‌شود؛ به گونه‌ای که همان طور که الیوت اسمیت ابراز داشته است، افراد ممکن است بنابر اتفاقاتی که برای اعضای گروه می‌افتد دچار احساسات شوند (Smith, 1993).

تعاملات اجتماعی و فرایندهای گروهی: باور، احساس و رفتار افراد شدیداً تحت تأثیر افرادی قرار دارد که با آنان به تعامل می‌پردازد. در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی تعامل میان افراد را بسیار تسهیل نموده‌اند و از این طریق افراد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و پس از مدتی نگرش‌ها و رفتارهای دیگر افراد حاضر در شبکه را اختیار می‌نمایند. اینترنت، امروزه فرصت‌های جدیدی را برای تماس میان افراد دارای زمینه‌های مختلف فرهنگی، قومی و مذهبی در سراسر جهان پدید آورده است و تسهیل‌کننده شکل‌گیری شبکه‌ها و تعاملات بین فردی و بین گروهی است و می‌تواند امکاناتی برای بسیج و مشارکت اجتماعی در اقدامات جمعی فراهم آورد. دسترسی به مخاطبان بالقوه وسیع، برقراری ارتباط به صورت ناشناس، امکان انتشار متون و فیلم‌ها از جمله مزایای اینترنت است.

نقش زندان‌ها: زندان‌ها محیط مساعدی برای ترویج گرایش‌های افراطی هستند. در زندان، عضویت در یک گروه حمایتگر به لحاظ روحی و جسمی امری

اساسی است. این گروه‌ها حول خطوط قومی و مذهبی شکل می‌گیرند. همچنین احساس به حاشیه رانده شدن که تقریباً کلیه زندانیان در آن شریک هستند، عاملی برای همبستگی بیشتر میان آنان است. بر همین اساس، افکار افراطی می‌تواند در میان اعضای گروه‌ها به سرعت انتشار پیدا کند و افراد پس از آزادی از زندان آمادگی بیشتری برای دست‌زدن به اعمال خشونت‌آمیز پیدا کنند.

محرومیت نسبی: یکی دیگر از عوامل اجتماعی که سبب می‌شود افراد دست به خشونت بزنند، به وجود آمدن این احساس در آن‌هاست که در جامعه به آنچه شایسته آن بوده‌اند، نرسیده‌اند. همان‌گونه که تد رابرت گر در کتاب معروف خود «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند» آورده است، فاصله بین آنچه افراد تصور می‌کنند شایسته برخورداری از آنند و آنچه انتظار دستیابی به آن را دارند، سبب سرخوردگی آنان می‌شود و این سرخوردگی آنان را به سمت خشونت جمعی سوق می‌دهد (Gurr, 1970). در این خصوص، همچنین می‌توان به نظریه انتظارات فزاینده نیز اشاره کرد که توسط دیویس ارائه شده و در آن انتظار و توقع بیش از حد نسبت به بهبود وضعیت زندگی در شرایطی که امکان تحقق آن وجود ندارد، عاملی مهم در سرخوردگی و میل به خشونت برشمرده است (Davies, 1962).

ب) عوامل فردی

ویژگی‌های شخصیتی: به‌طور کلی، شخصیت‌های اقتدارگرا و خودشیفته بیشتر در معرض اقدام به اعمال خشونت‌آمیز قرار دارند. دسته اول، کسانی هستند که به دلایلی از جمله تضادهای شخصیتی و تجارب دوران کودکی نیاز شدیدی به امنیت پیدا می‌کنند. افرادی که به این نوع اختلال شخصیتی مبتلا هستند، هنگامی که شرایط موجود با جهان‌بینی خاص آنها تعارض پیدا می‌کند، شدیداً احساس نگرانی و ناامنی می‌کنند. از جمله ویژگی‌های دیگر این افراد، میل به تبعیت از رهبران مقتدر است. دسته دوم، افرادی هستند که دچار خودمحوری می‌باشند و به شدت دنبال لذت، سلطه و بلندپروازی‌های شخصی خود هستند و بسیار در برابر هر چیزی که احساس شکوهمندی را که آنان نسبت به خود دارند تهدید نماید، آسیب‌پذیرند. در نتیجه، آنان نیاز به یک دشمن خارجی دارند تا ضعف‌های خود را به گردن او

بیندازند. این افراد به آسانی جذب رهبران کاریزماتیک و سازمان‌های تروریستی می‌شوند که دیدگاه‌هایشان در چهارچوب تقابل بین «ما» و «دیگران» قرار دارد.

تجربیات شخصی: تجربه تبعیض یا طرد می‌تواند به خشم و اعمال خشونت‌آمیز منجر شود. همچنین سرخوردگی و تجربیات تلخ افراد ممکن است سبب آن شود که افراد احساس کنند منزلت خود را در جامعه از دست داده‌اند و دچار حس حقارت شوند. از همین رو، تمایل به بازیابی منزلت خود از طریق دست‌زدن به اقدامات تروریستی و خشونت‌آمیز پیدا می‌کنند تا بدین وسیله خود را مهم جلوه دهند.

مسائل شناختی: افراد با محیط خود تعامل دارند. اینکه آنان چگونه برداشتی از جهان اطراف خود دارند و چگونه به آن واکنش نشان می‌دهند، تابع شناخت و آموخته‌های آنان قرار دارد. برخی افراد دچار «تحجر شناختی»^۱ هستند. این گونه افراد همواره به دنبال قطعیت و کسب شناخت متقن هستند و از این‌رو، ابهام را بر نمی‌تابند و در نتیجه افکاری جزمی پیدا می‌کنند و هنگامی که در چهارچوب گروه قرار می‌گیرند، تمایل به اجماع پیدا می‌کنند و افکار انحرافی را نفی می‌کنند و گروه خودی را از گروه‌های دیگر برتر می‌شمرند. این افراد مستعد پذیرش افکار افراطی می‌شوند.

همچنین، نظریه «ناهماهنگی شناختی»^۲ که توسط فستینگر ارائه شده به پدیده‌ای روان شناختی اشاره دارد که هنگامی رخ می‌دهد که رفتار افراد در تضاد با نگرش‌ها یا اعتقادات‌شان قرار می‌گیرد (Festinger, 1957). در این مورد یکی از واکنش‌های متعارف به این ناراحتی این است که افراد شروع به باورکردن چیزهایی می‌کنند که بر زبان می‌آورند. برای مثال، هرچه بیشتر افراد سخنانی بگویند که افراطی‌تر از اعتقادات واقعی‌شان است، بیشتر به صحت و یا دقت گفته‌های خود باور پیدا می‌کنند. همچنین توجه بیش از حد در این میان نقش دارد؛ بدین صورت که هر قدر افراطیون در فرایند افراطی شدن بیشتر مایه گذاشته باشند، برای مثال از این بابت که روابط خود با اعضای خانواده را قطع کرده باشند تا عضو یک گروه

1. Cognitive Closure

2. Cognitive Dissonance

افراطی شوند، بیشتر اعتقاد پیدا خواهند کرد که عضویت در گروه ارزش فداکردن پیوندهای خانوادگی را داشته است. به موجب این ناهماهنگی شناختی، تعهد افراد به افکار افراطی یا گروه خود محکم‌تر می‌شود.

عواطف: از عواطف اغلب به‌عنوان نیروی محرکه رفتارهای اجتماعی یاد می‌شود. برخی پژوهشگران بر نقش عواطف در اقدامات جمعی یا پرخاشگرانه تمرکز کرده‌اند. در این میان عواملی مانند نفرت، انزجار، تحقیر و انتقام‌جویی مورد توجه قرار گرفته‌اند. برخی دیگر از پژوهشگران به نقش مهم عواطف در افراط‌گرایی تروریسم اشاره کرده‌اند. برای مثال سراج می‌گوید که احساس گناه، شرمساری و انتقام‌جویی از جمله علل مهم تروریسم انتحاری است (Serraj, 2002). افزون بر این، مسلمانان در سراسر جهان احساس حقارت می‌کنند. بن‌لادن در اعلان جنگ خود که بخشی از آن در شبکه‌های الجزیره و سی.ان.ان پخش شد، صراحتاً چندین بار از واژه تحقیر استفاده کرد و گفت مرگ بهتر از تحقیر است.

در این میان هنگامی که افراد مستعد به افراط‌گرایی و اقدام به عملیاتی خشونت‌آمیز می‌گردند، برخی عوامل تحریک‌کننده می‌توانند این فرایند را تسریع کنند. در سطح فردی، رویدادهای تحریک‌کننده که سبب تسریع در سوق‌دادن افراد به افراط‌گرایی می‌شود فراوان هستند. برای مثال، نحوه برخورد افراد با اتفاقات مهمی که در زندگی‌شان روی می‌دهد، می‌تواند در این فرایند مؤثر باشد. اتفاقاتی نظیر ناکامی در یافتن شغل، مرگ ناگهانی یکی از خویشاوندان یا دوستان، تجربیات شخصی در خصوص تبعیض یا زندانی شدن می‌تواند فرایند سوق یافتن به افکار و اعمال افراطی را تسریع کند. در سطح کلان نیز رویدادهایی مانند سخنان یک مقام عالی مملکتی یا انتشار یک مقاله خاص می‌تواند به قدری تحریک‌آمیز باشد که افراد را به سمت خشونت سوق دهد. به هر حال، باید توجه داشت که این اتفاقات، چه به صورت شخصی و چه در سطح اجتماعی، برحسب اینکه افراد چه برداشتی از محیط اطراف دارند و چگونه با آن تعامل می‌کنند، می‌توانند اثراتی در خصوص سوق‌دادن آنان به اعمال افراطی و خشونت‌آمیز از خود برجا بگذارند.

نتیجه‌گیری

تحولات اخیر در خاورمیانه و به‌ویژه بروز جنگ داخلی در سوریه و بازتاب‌های آن در عراق و ظهور گروه افراطی «داعش» که ادامه‌دهنده تفکرات افراطی «القاعده» با خشونت در مقیاس بسیار وسیع‌تر و سبعانه‌تر و نیز ظرفیت قابل توجه آن در عضوگیری، اثر خود را در قاره اروپا به این صورت برجا گذاشت که جوانان مسلمان، اعم از مهاجران نسل دوم و یا اتباع تازه مسلمان، جذب گروه‌های افراطی شده و عازم جهاد در سوریه برای براندازی دولت بشار اسد شوند. مقامات امنیتی در کشورهای اروپایی با توجه به سابقه وقوع حملات تروریستی در این کشورها و رویدادهایی نظیر حمله اخیر به نشریه شارلی ابدو در پاریس، هراس خود را از این امر ابراز داشتند که این افراد پس از بازگشت از جهاد ممکن است با توجه به اینکه افکاری افراطی‌تر پیدا کرده و از سوی دیگر مهارت‌های نظامی بیشتری نیز کسب کرده‌اند، خطراتی را متوجه امنیت داخلی کشورهای اروپایی نمایند و از همین رو، در پی اتخاذ و تشدید تدابیری در جهت جلوگیری از ورود این افراد به کشور و نیز پیشگیری از افراط‌گرایی نزد مسلمانان مقیم برآمدند. اما مسئله مهم این است که چرا مسلمانان اروپا گرایش به افراط‌گرایی و اعمال خشونت‌آمیز پیدا می‌کنند. در جست‌وجوی علل و عوامل بروز افراط‌گرایی در میان مسلمان اروپایی، صرف‌نظر از مراحلی که یک فرد در مسیر گرایش به افکار افراطی طی می‌کند، باید به عوامل موجود در سطوح کلان و خرد توجه ویژه‌ای به عمل آورد. عوامل کلان که در سطح اجتماع رخ می‌دهند و عوامل خرد که به ویژگی‌های شخصیتی افراد مربوط می‌شود، در تعامل و تأثیر و تأثر متقابل بر یکدیگر افراد را به افراط‌گرایی سوق می‌دهند. وضعیت نامناسب زندگی اجتماعی و اقتصادی مسلمانان در اروپا که با فشارهایی به لحاظ معیشتی و نیز هویتی همراه است و تبعیض و نابرابری از جلوه‌های آشکار آن به‌شمار می‌رود، در ترکیب با برخی ویژگی‌های شخصیتی و روانی افراد در تعامل با محیط اطراف که امکانات و فرصت‌های مناسبی در اختیار افراد قرار نمی‌دهد، زمینه‌ساز ترویج افکار افراطی و دست‌زدن به اقدامات خشونت‌آمیز می‌شود که این خود تهدید امنیتی بزرگی برای کشورهای اروپایی پدید می‌آورد.

منابع

- Agence France Press (AFP). July 8, 2014. "EU Ministers Adopt Plan Stop Young European Jihadists".
- BBC News. January 12, 2015. "**Paris attacks: Suspects' profiles**", <http://www.bbc.com/news/world-europe-30722038>.
- Bizina, Margarita and Gray, David. 2014. "Radicalization of Youth as a Growing Concern for Counter-Terrorism Policy". **Global Security Studies**, Vol. 5, No. 1.
- Borger, Julian. January 12, 2015. "Paris Gunman, Amedy Coulibaly declared allegiance to ISIS", **The Guardian**, <http://www.theguardian.com/world/2015/jan/11/paris-gunman-amedy-coulibaly-allegiance-isis>.
- Coolsaet, R. 2005. "Between al-Andalus and a Failing Integration. Europe's Pursuit of a Long-term Counterterrorism Strategy in the Post-al-Qaeda Era", Royal Institute for International Relations, Brussels.
- Cruikshank, Paul and Lister, Tim. 2014. "Europe Faces Greatest Terror Threat Ever from Jihadists in Iraq and Syria", **CNN**. <http://edition.cnn.com/2014/06/19/world/europe/lister-european-jihadists>.
- CSS Analysis. 2013. "**European Strategies against Jihadist Radicalization**". No. 128. <http://www.css.ethz.ch/publications/pdfs/CSS-Analysis-128-EN.pdf>.
- Davies, J. C. 1962. "Towards a Theory of Revolution", **American Sociological Review**, Vol. 27.
- Durkheim, E. 1979. **Suicide: A Study in Sociology**. New York: Free Press.
- DW. 2014. "**European Jihadists Use Turkey as Transit Country**", <http://www.dw.de/european-jihadists-use-turkey-as-transit-country/a-17632725>.
- European Commission .2006. "Terrorist Recruitment: A Commission's Communication Addressing the Factors Contributing to Violent

- Radicalisation", MEMO/05/329
- European Union .2002. Council Framework Decision of 13 June 2002 on Combating Terrorism, **Official Journal of the European Union**, 164.
- Festinger, L. 1957. **A Theory of Cognitive Dissonance**, Stanford: Stanford University Press.
- Gilligan, Andrew. 2014. **"British Jihadists: How Britain Became the Yemen of the West"**. **The Telegraph**. <http://www.telegraph.co.uk/news/uknews/terrorism-in-the-uk/11051757/British-jihadists-How-Britain-became-the-Yemen-of-the-West.html>.
- Gouliamanki, Louisa. 2013. "European Jihadists: The Continuation of a Historical Trend", **Stratford**. <http://www.stratfor.com/analysis/european-jihadists-continuation-historical-trend#axzz3Lwdkrvbi>.
- Kepel, Gilles. 2004. **The War for Muslim Minds: Islam and the West**, Cambridge: Harvard University Press.
- Kim Hjeimgaard, Mary Vidon and Katherine Lackey. January 9, 2015. "Gunmen killed, 4 others dead at Paris Market", **USA Today**. <http://www.usatoday.com/story/news/world/2015/01/09/paris-hostage-supermarket/21489449>.
- Malik, Shiv. 2014. "British Jihadism in Syria Poses Lasting Problem for UK Security, Says Minister", **The Guardian**. <http://www.theguardian.com/uk-news/2014/feb/16/british-jihadism-syria-uk-security-minister>.
- Merton, Robert. 1938. "Social Structure and Anomie", **American Sociological Review**, 3: 672 – 682.
- Murray, Douglas. 2014. "Britain's Beheaders- How Come to Export Jihad". **The Spectator**. <http://blogs.spectator.co.uk/coffeehouse/2014/08/britains-beheaders-how-we-came-to-export-jihad>.
- Nesser, Petter. 2012. "Individual Jihadist Operations in Europe: Patterns and Challenges", **CTC Sentinel**. <https://www.ctc.usma.edu/posts/individual-jihadist-operations-in-europe-patterns-and-challenges>.
- Ross, Alice, Galey, Patrick and Morris, Nigel. 2013. "No Way Back for Britons Who Join the Syrian Fight, Says Theresa May", **The Independent**. <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/exclusive-no-way-back-for-britons-who-join-the-syrian-fight-says-theresa-may-9021190.html>.
- Roy, Olivier. 2004. **Globalised Islam: The Search for a New Ummah**, New York: Columbia University Press.
- Sarraj, E. 2002. "Why We Blow Ourselves Up", **Time Magazine**, Vol. 159, No.

14.

Shaw, C. R. & McKay, H. D. 1969. **Juvenile Delinquency and Urban Areas**. Chicago: The University of Chicago Press.

Smith, E.R. 1993. "**Social Identity and Social Emotions: Toward New Conceptualisations of Prejudice**" in D.M. Mackie & D.L. Hamilton (Eds) *Affect, Cognition, and Stereotyping: Interactive Processes in Group Perception*, Oxford: Blackwell, pp. 183-196.

Stewart, Scott and Brown, Sidney. 2013. "The Acute Jihadist Threat in Europe", **Stratfor**. [http:// www. stratfor. com/ weekly/ acute- jihadist- threat- europe#axzz3Lwdkrvbi](http://www.stratfor.com/weekly/acute-jihadist-threat-europe#axzz3Lwdkrvbi).

The Independent. January 7, 2015. "Charlie Hebdo shooting: At least 12 killed as shots fired at satirical magazine's Paris office", [http:// www. independent. co. uk/ news/ world/ europe/ charlie- hebdo- shooting- 10- killed- as- shots- fired- at- satirical- magazine- headquarters- according- to- reports- 9962337. html](http://www.independent.co.uk/news/world/europe/charlie-hebdo-shooting-10-killed-as-shots-fired-at-satirical-magazine-headquarters-according-to-reports-9962337.html).

The New York Times. 2014. "The Jihadist Pipeline", [http:// www. nytimes. com/ 2014/ 03/ 05/ opinion/ the- jihadist- pipeline. html?_r=0](http://www.nytimes.com/2014/03/05/opinion/the-jihadist-pipeline.html?_r=0).

Veerman, Frans. 2014. "The Rise of Political Islam in Europe", **World Watch Monitor**.

https://www.worldwatchmonitor.org/2014/07/article_3215384.html.

Veldhuis, Tinka and Staun, Jorgen. 2009. **Islamist Radicalization: A Root Cause Model**, The Hague: Netherlands Institute of International Relations Clingendael.